



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (ملازمات عقليه)

اجزاء با کشف خطا به حجت

جلسه ۱۹۱

استاد رفعتی

نظر صاحب کفایه:

گفتیم در ابتداء به ذهن اینطور می آید که عمل به اصول شرعیّه مقتضی اجزاء نیست؛ ولی مع ذلك جماعتی از متأخرین فرموده اند که عمل به اصول شرعیّه مجزی از واقع می باشد؛ از جمله ایشان مرحوم صاحب کفایه است و به تبعیت از ایشان شاگرد وی استاد ما شیخ محمد حسین اصفهانی (ره) نیز چنین فرموده. ولی این فرموده ایشان صرفاً در اصولی است که جهت تنقیح موضوع تکلیف و تحقیق متعلق آن جاری می شوند؛ نظیر قاعده طهارت و اصالة الحلیّة و استصحاب این دو؛ نه اصولی که در نفس احکام اجراء می گردند.

منشاء رأی قائلین باجزاء

منشاء این رأی از نظر مرحوم صاحب کفایه آن است که دلیل اصل در موضوعات احکام دائره شرط یا جزء را که در موضوع تکلیف و متعلق آن معتبر هستند توسعه می دهد؛ مثلاً: کُلّ شیءٍ نظیف حتّی تعلم أنّه قدر (تمام اشیاء پاکیزه بوده تا وقتی که علم به نجاست آنها پیدا کنی). دلالت دارد بر اینکه پیش از علم به نجاست، تمام اشیاء محکوم به طهارت می باشند و معنای حکم به طهارت این است که آثار طهارت را بر شیء باید مترتب نمود و همچنین معتقد بود که احکام تکلیفیّه و وضعیه که از جمله آنها شرطیت است در حقش انشاء شده اند؛ در نتیجه باید حکم کرد نمازی که با لباس مشکوک الطهارة خوانده شده صحیح است؛ همانطوری که اگر با جامه طاهر واقعی خوانده شود حکمش چنین می باشد.

و لازمه این تقریر آن است که در واقع، شرط، اعمّ است از طهارت واقعیّه و ظاهریّه و وقتی امر چنین بود در صورت کشف خلاف نباید انکشاف آن موجب منکشف شدن فقدان شرط باشد بلکه این انکشاف



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

و ظهور خلاف از قبیل ارتفاع شرط و تبدیلیش به شرط دیگر از زمان ارتفاع جهل می باشد؛ لذا معنا ندارد عمل انجام شده از واقع مجزی نبوده و مکلف ملزم به قضاء و اعاده باشد؛ زیرا بحسب فرض، عملی که وی آورده حقیقتاً واجد شرطی که در مأموریه اعتبار شده می باشد به این اعتبار که شرط اعم از طهارت

واقعیه و ظاهریه است؛ بنابراین نه انکشاف خلاف معنا دارد و نه فقدان شرط. ImamSadiq.tv

ولی مرحوم استاد ما میرزای نائینی (ره) مناقشاتی چند در این تقریر داشته که ذکر آنها در اینجا موجب اطاله کلام گردیده و از حوصله این مختصر خارج بوده.

اجزاء در امارات و اصول در صورت انکشاف خطاء بواسطه حجت معتبر

این مسئله از اهم مسائل اجزاء است زیرا عموم مکلفین به آن مبتلاء می باشند و از طرف دیگر بسیار دیده شده که مجتهدین در مسائل و احکام بر ایشان تبدل رأی حاصل گشته به نحوی که اعمال سابقشان ظاهراً طبق فتوای جدید فاسد بوده و به تبعیت از ایشان مقلدین آنها نیز اعمال و افعالی را که طبق فتوای سابق انجام داده اند باید اعاده کنند.

نمونه دیگر: شخص ابتداء از مجتهدی تقلید نموده و سپس مستند به دلیل شرعی مرجع تقلید خود را تغییر داده است ولی فتوای مجتهد جدید با سابق تفاوت داشته به طوری که به فتوای مجتهد فعلی اعمال گذشته مقلد فاسد باشد.

نکته ۱:

پس از قیام حجت معتبره در حق مجتهد یا مقلد، بدون اشکال واجب است ایشان نسبت به اعمال و

افعال آینده که مرتبط به افعال گذشته نیستند بر طبق آن عمل کنند. ImamSadiq.tv

نکته ۲:

افعال گذشته اگر در زمان لاحق اثری نداشته باشند قطعاً مجزی هستند.



مرکز مجازات امام صادق (ع)

نکته ۳:

محلّ کلام در وقایعی است که در زمان آینده انجام می‌شوند و مرتبط با حوادث و وقایع سابق هستند مثل اینکه از روی اجتهاد یا تقلید در وقت عبادت و قبل از انقضاء آن معلوم شد که عمل انجام شده اشتباه بوده و حجّت سابق به خطاء رفته است یا احیاناً بعد از اتمام وقت این خطاء معلوم گردید و عمل انجام شده از افعالی است که دارای قضاء می‌باشد همچون نماز.

نمونه دیگر: شخصی زنی را با عقد غیر عربی اجتهادا یا تقلیدا به همسری خود درآورد سپس حجّت معتبره‌ای قائم شد که عقد باید به عربی باشد.

نظر علماء:

موضوعات:

معروف و مشهور آن است که در موضوعات خارجی عمل مجزی نبوده و پس از قیام حجّت معتبر و احراز خطاء باید عمل را دوباره انجام دهند.

احکام:

برخی فرموده‌اند اجماع علماء بر اجزاء است مخصوصاً در امور عبادی همچون مثال اوّل که گذشت یعنی نماز.

مقتضای قاعده در نزد مصنف:

به عقیده ما مقتضای قاعده عدم اجزاء می‌باشد.